

درباره ایده واحد تبریز که یک ترم است فضای متفاوتی برای بعضی رشته‌های این دانشگاه ایجاد کرده

# کلاس‌ها را به دل صنعت می‌بریم

اروپا در یک‌دهه اخیر سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی را ۹ برابر افزایش داده است

## شکاف ۳۶ میلیارد دلاری

## در رقابت تکنولوژیک

## اروپا و آمریکا



# فرهنگستان

## دانشگاه

شماره ۴۳۵ | شماره ۱۴۰۳ | WWW.FDN.IR

براساس آمار سامانه «باقر» نقش تشکل‌ها در فعالیت‌های فرهنگی واحدها پررنگ‌تر شد

## فرهنگ دانشگاه

## روی انگستان

## بسیج و کانون‌ها



براساس آمار سامانه «باقر» نقش تشکل‌ها در فعالیت‌های فرهنگی واحدها پررنگ‌تر شد

## فرهنگ دانشگاه روی انگستان بسیج و کانون‌ها



کاهش تصدی‌گری یکی از محورهای فعالیت معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد در سال‌های اخیر بوده است. موضوعی که به‌شکل جدی‌تری از زمان حضور فرزاد جهان‌بین در این مجموعه رفته‌رفته از یک دغدغه و انتظار نسبت به واحدها، می‌توان آن را از اهداف در حال تحقق این مجموعه دانست. او نقش معاونت را در برنامه‌های فرهنگی بسترساز ظهور و بروز هر چه بیشتر اقطاب فرهنگی می‌داند و پیش‌تر به «فرهنگستان» گفته بود تصدی‌گری را در مجموع فعالیت‌های معاونت در کل کشور از حدود ۸۰ درصد به حدود ۴۰ درصد رساندیم. او عملکرد مالی حوزه فرهنگی دانشگاه در سال ۱۴۰۱ را حدود ۳۸ میلیارد عنوان کرده بود که از این میزان حدود ۹ میلیارد سهم معاونت‌های فرهنگی و دانشجویی بوده است. حالا با وجود سامانه باقر که بستر اصلی مدیریت و هدایت فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه آزاد شناخته می‌شود امکان نظارت بر عملکرد فرهنگی واحدها پیش از گذشته میسر شده و می‌توان در کسری از ثانیه نتایج عملکرد تشکل‌ها و مجموعه‌های مؤثر فرهنگی دانشگاه را از حیث‌های مختلفی ارزیابی کرد. کاری که معاون فرهنگی دانشگاه‌های روزها هفته‌ها سپری شده از سال تحصیلی جدید انجام داده و نتایج آن را منتشر کرده است. براساس این آمار از ابتدای شهریور تا پایان آذرماه ۱۴۰۳، ۳۹۳ و ۳۹۳ فعالیت تأیید شده در واحدهای دانشگاه آزاد اجرا شده است.

جهان‌بین گفت فعالیت‌های واحدها پس از ثبت در سامانه باقر، یکبار توسط استان و یکبار توسط سازمان بررسی می‌شود، مثلاً برای اینکه فعالیتی تأیید شود که به اسم کانون است، آن کانون باید براساس ضوابط، فعال شناخته شود و با توجه به ثبت مشخصات مسئول برنامه، ۱۰ درصد راستی‌آزمایی شود. براساس این اطلاعات حدود نیمی از فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه به‌دست کانون‌های فرهنگی و بسیج دانشجویی رقم خورده است. این دو مجموعه به ترتیب سهمی برابر ۲۶ و ۲۰ درصد را در عملکرد فرهنگی واحدها داشتند. ۱۴ درصد برنامه‌های ترم اخیر هم توسط معاونت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها اجرا شده است. بسیج اساتید نقش ۱۱ درصدی در فعالیت فرهنگی ترم نخست سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ داشته است. نقش تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان آنچنان که انتظار می‌رود هنوز پررنگ نیست، هر چند با توجه به مجموع تعداد آن‌ها در دانشگاه برگزاری ۶۱۹ برنامه چندان بد نیست. در بین ۱۳ نهاد و مجموعه فعال دانشگاه، ستاد شاهد، امور خانواده و نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها مجموعاً متولی ۱۵ درصد حرکت‌های فرهنگی صورت گرفته در واحدها بودند. بعد از آن هم اساتید، بسیج کارکنان، مراکز مشاوره امین و نشریات در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. معاون فرهنگی

کانون‌های فرهنگی دانشجویی	۲۷۱۶
بسیج دانشجویی	۲۷۱۶
معاونت فرهنگی و دانشجویی	۱۴۰۸
بسیج اساتید	۱۱۷۳
تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان	۶۱۹
ستاد شاهد و امور ایثارگران	۶۰۳
امور خانواده	۵۵۵
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری	۳۷۷
اساتید	۳۵۸
بسیج کارکنان	۳۲۲
مرکز مشاوره امین	۱۵۷
نشریات دانشجویی	۳۳
نماینده ریاست دانشگاه بر هیئت نظارت بر تشکل‌ها	۲۱

## بخش شصت‌ونه رنسانس ایران: دانشگاه ملی ایران وشاه

## انگلیسی‌ها از دانشگاه ملی راضی نیستند!

کتاب «رنسانس ایران: دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل‌گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی‌شیرازی، مؤسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهنگستان» از اوایل مردادماه بخش‌های مختلف آن را منتشر کرده که اکنون بخش دیگری از آن را در نظر می‌گذرانیم. او پس از تشریح فضای کشور در روزگار تأسیس دانشگاه ملی و نحوه پیگیری مقدمات شکل‌گیری آن، مرحله به مرحله نحوه پیشرفت روند پایه‌گذاری این دانشگاه را با مخاطبان به اشتراک گذاشته است.

اداره کل خالص‌ساز زمین مورد بحث را در طرف یک هفته با سند رسمی از قرار مترمربعی بیست ریال به‌طور نقد و اقساط به من انتقال داد. فاصله زمین با شبکه برق موجود در آن ناحیه، نسبتاً زیاد بود اما رساندن برق به زمین دانشگاه عملی و قابل تحمل بود لکن فاصله با آب لوله‌کشی، چندکیلومتر بود و هیچ‌گونه آب دیگری از قبیل قنات و چشمه و چاه هم نداشت. تردید نداشتیم که دولت حاضر نیست از طریق شبکه آب موجود، با این فاصله زیاد به ما کمک کند. بلادرنگ از دکتر ایرج‌وحیدی که علاوه بر استادی دانشگاه معماری، معاون اداره کل آبیاری بود و بهترین متخصص آبیاری بود در آن زمان که می‌شناختم، تقاضا کردم با جمیع وسایل و آلات و ادوات فنی موجود در دستگاه آبیاری کشور، به وضع زمین از نظر حفر چاه رسیدگی کند و نقطه مطلوب را برای حفر چاه تعیین نماید. دکتر وحیدی پس از رسیدگی گزارش داد، آب تحت‌الارضی در این زمین وجود ندارد و ایجاد چاه در هر نقطه آن بی‌نتیجه است. با اینکه تردید نداشتیم وحیدی آنچه در توان داشته انجام داده و واقعاً نظر او همکارانش، بر مبنای تحقیقات دقیقی است که به‌عمل آورده‌اند، چون در مجاورت صدرتی زمین ما باغ کشاورزی از آب چاهی که احداث کرده بود صد هزار متر زمین آبیاری و کشت می‌کرد، نتوانستیم باور کنیم گزارش آن‌ها صحیح باشد. از این جهت یک نفر مقنی قدیمی، اهل ناین که در آن حدود سکونت داشت و در کار خود جنبه پیشکسوتی داشت را خراسانیم و او تعهد کرد با دریافت هفت هزار تومان در طرف یک هفته چاه عمیقی که لاقال در شبانه‌روز سه اینچ آب بدهد به ما تحویل دهد.

مقنی به‌وعده خود وفا کرد و حدسش درست بود و با خرید تلبیه شناور ظاهر آبه مبلغ پنج هزار تومان و ایجاد سیم‌کشی برق پس از یک‌ماه از خرید زمین دارای محلی شدیم که ساختمان دانشگاه را شروع کنیم. در آغاز کار زمین را مانند کارگاه و لابراتوار دانشگاه معماری مورد استفاده قرار دادیم و سپس دانشجویان و استادان نقشه‌برداری و توپولوژی و پرسپکتیو و شهرساز دانشگاه معماری را روانه آن کردیم؛ پیشخدمت‌های دانشگاه‌ها هم موظف کردیم هفته‌ای چند ساعت به‌سطح و خیابان‌کشی زمین کمک کنند. به‌فاصله قریب دو ماه، نقشه دانشگاه پزشکی را که به‌مسابقه استادان دانشگاه معماری گزارده بودیم، دکتر حاجی‌زاده تهیه کرد و به‌معروف‌ترین شرکت ساختمانی که به‌وسیله مدیرکل بانک ملی ایران به ما معرفی شده بود، ساختمان و کلیه تأسیسات آن را به‌مبلغ متری چهارصد تومان که حتی در ساختمان‌های خصوصی هم بی‌سابقه بود به‌مقاطع شرکت شایگان دادیم که حداکثر در طرف هفت‌ماه ساختمانی و تحویل بدهد. مرد لایق و کارآمدی به‌نام مهندس رویی مدیر و همه‌کاره شرکت مذکور بود که در رأس مودع مقرر، بنای تکمیل شده قابل استفاده را تحویل ما داد.

البته در مدت هفت‌ماه، برای انجام کار، شخصاً هر روز به محل دانشگاه سرکشی می‌کردم. سال‌بعد هم بنای تالار تشریح بی‌نظیر میان ساختمان دانشگاه معماری و سایر دانشکده‌ها و زمین ورزش و استخر و بقیه ساختمان‌های مورد نیاز دانشگاه را شروع کردیم و حتی برای بانک و پستخانه و تلگرافخانه دانشگاه که آن زمان

هیچ‌گاه زیر بار کسی نمی‌روم و شاید هم متکبرم (هرطور هرکس می‌خواهد حساب کند) نزد قدس نجفی وزیر دربار رفته و طبق معمول خواهش کردم به عرض شاه برساند و تاریخ به‌اصطلاح تشریف‌فرمایی را تعیین کند و از گذشته‌ها که جنگلی در زمان وزارت علاء‌الاقان افتاده بود به قدس نجفی چیزی نگفتم و بهتر دانستم که به فراموشی سپرده شود چون: یادآوری بدی‌ها در ذهن شخصی که متکب آن‌ها شده به‌خصوص اگر صاحب قدرت باشد، باعث پشیمانی و جبران نمی‌شود و عقده و حالت روحی گناه‌کاری را در او تشدید می‌کند تا شاید بتواند خود را بیشتر تثبیت کند و این‌ها در حال روحی و عمل و برخورد شاه با جمیع مسائل، واضح است: سایه خدا که اشتهای نمی‌کند. از سوی دیگر، اگر از شاه دعوت نمی‌کردم این خطر بزرگ هم پیش‌بینی می‌شد که معاندین و غلام سفارت‌ها به عرض ملوکانه برسانند که: شیخ الاسلام دولتی در داخل دولت اعلیحضرت تشکیل داده‌چند برای افتتاح بنای دانشکده پزشکی که از عنایات شاهانه ساخته شده، از اعلیحضرت دعوت نمی‌کند. کسی که نمی‌داند و نباید بداند (مردم ایران) که اعلیحضرت خود و دولتش نه تنها دیناری برای این کار نپرداخته‌اند بلکه از هرگونه کارشکنی و اذیت بی‌شرمانه خودداری نکرده‌اند. با این اوضاع و احوال من تقاضا کردم روز تشریف‌فرمایی را به‌عنوان «به مناسبت نصب لوحه بنیان‌گذاری دانشگاه ملی ایران و افتتاح دانشکده پزشکی» کتاباً به ما ابلاغ نمایند. به این ترتیب قدس نجفی، وزیر دربار شاهنشاهی روز بیستم آبان‌ماه ۱۳۴۳ را تعیین و کتاباً به ما اطلاع داد. چند روز پس از وصول این نامه به دفتر هیواد، رئیس دفتر مخصوص شاه رفته برای انجام کاری. هیواد مرد صحیح‌العقل و آداب و رسوم دینی مقید بود. به محض ورود من به دفترش گفت: «اعلیحضرت فرمودند: انگلیسی‌ها از دانشگاه ملی راضی نیستند.» پرسیدم علت عدم رضایت آن‌ها چیست؟ گفت: «اعلیحضرت علت عدم رضایت را نفرموده‌اند مثل اینکه از وجود دانشگاه ملی گله دارند.» هرچه اصرار کردم هیواد توضیح اضافی نداد چون گویا چیزی نمی‌دانست و چون خیلی ناراحت شدم که شاید این هم بهانه‌های استی که شاه نمی‌خواهد شرکت کند بلادرنگ رفته نزد دکتر ادهم، رئیس کل تشریفات و از او خواستم که وقت ملاقات فوری با شاه به من بدهد و او محبت کرد و همان روز به من وقت ملاقات داد. به محض ورود شاه و ادای احترامات معمول گفتم آقای هیواد می‌گویند اعلیحضرت فرموده‌اند انگلیسی‌ها...

شاه نگذاشت من جمله‌ام را تمام کنم و درحالی که به نظر می‌رسید خوشحال نیست گفتم: «می‌دانید هیواد هر چه از قول من بگوید، عین سخنی است که من گفته‌ام.» من فهمیدم نباید به عرض مطلب ادامه دهم و مطالب دیگری را پیش آوردم. به محض خروج از دفتر شاه، چون نه شاه و نه هیواد حتی یک کلمه راجع به جشن به من سخنی نگفتند، فرصت را مغتنم شمرده و رفته دانشگاه و به‌خامی که توزیع دعوت‌نامه‌های جشن به او محول شده بود دستور دادم با پرداخت انعام فراوان به نام‌رسانان همان روز توزیع کارت‌ها را شروع و به‌اتمام برسانند که اگر باز موقع افتتاح دانشگاه، شاه تصمیم نداد شرکت کند، او و دستگاره‌ها را برابر امر انجام‌شده قراردادها باشم. به همین طریق هم عمل کردم. اما این اولین مرتبه بود که انگلیسی‌ها به این وقاحت و بی‌شرمی و بی‌پرده‌زنگ خطر را به صدا درآوردند. از این تاریخ با اینکه شاه و دستگارش کلمه‌ای بر زبان نیاوردند از سرنوشت دانشگاه و نهضت و رنسانسی که در انجام آن، سخت‌کوشیده بودم بی‌مناک و هراسان بودم و تمام وقت و توانایی مرا گرفته بود.

ادامه دارد...